یادداشت

نجات بزرگ‌ترین شرکت موادغذایی کرواسی از ورشکستگی

اگروکور (**Agrokor**) یک شرکت تولیدکننده موادغذایی- خردهفروشی و بزرگ‌ترین گروه تجاری کرواسی بود. این شرکت در دهه ۹۰ به‌صورت یک شرکت ادغام شده عمودی در بخش تولید و توزیع موادغذایی، خردهفروشی و عمده‌فروشی ظاهر شد. به گفته شرکت: «گروه اگروکور بزرگ‌ترین زنجیره سوپرمارکت بزرگ‌ترین تولیدکنندگان آب‌معدنی و بزرگ‌ترین تولیدکننده و توزیع‌کننده بستنی و غذاهای منجمد در کرواسی است. حدود ۶/۵ میلیارد دلار درآمد سالانه دارد و درآمد آن نشان‌دهنده حدود ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی کرواسی است.» اگروکور و زیرمجموعه‌های آن بیش از ۵۳ هزار نفر را در ۲۰ کشور به خدمت گرفته‌اند. اما این گروه چند ملیتی چگونه تا مرز ورشکستگی پیش رفت؟

اگروکور در مسیر کسب‌وکار خود اقدامات استراتژیک اشتباهی انجام داده بود. یکی از این اشتباهات تملیک خردهفروشی اسلوونیایی مرکاتور (**Mercator**) در سال ۲۰۱۴ بود. این خردهفروشی ۴۸۵ میلیون یورو وام **PIK** داشت. عملکرد این واوها به این شکل است که اجازه می‌دهد شرکت برای جبران کمبود نقدینگی در پرداخت بهره‌واوهای پیشین خود، وام دیگری دریافت کند. به تعبیر برخی بانکداران وام **PIK** مانند ماشه عمل می‌کند. زمانی که اگروکور این خردهفروشی را تملیک کرد، مرکاتور درگیر مشکلات مالی بود. اگروکور در سال ۲۰۱۵ تلاش کرد نه تنها یک میلیارد یورو وام خود را تامین کند، بلکه بدهی‌ها و واوهای مرکاتور را نیز پرداخت کند که البته موفق نبود. تملیک مرکاتور وضعیت مالی اگروکور را وارد بحران کرد.

مشکل دیگر اگروکور بخش کشاورزی آن بود. این بخش حدود ۸ درصد (۵۰۵ میلیون یورو، ۲۰۱۶) از درآمد گروه را در اختیار داشت. همچنین ۱۳/۴ (۳۱ میلیون یورو) از درآمد پیش از بهره، مالیات و استهلاک گروه نیز مربوط به همین بخش بود. نکته قابل توجه این است که حدود ۲۰ میلیون یورو از این درآمد با حمایت‌هایی از طرف صندوق‌های سیاسی کشاورزی و دولتی حاصل می‌شد و تفکر داخلی شرکت به این صورت بود که این حمایت‌ها ادامه خواهد داشت» ولی درواقع ممکن بود بخش کشاورزی گزینه کاهش (محدودیت پشتیبانی) و همگرایی (توزیع پرداخت‌ها در مزارع کوچک‌تر) باشد.

مشکل بخش کشاورزی به این نقطه ختم نمی‌شد. مدل کسب‌وکار گروه دو رسک بزرگ در خود داشت. مورد اول وجود وابستگی زیاد درمیان شرکت‌های گروه اگروکور بود. تا جایی که حدود نیمی از درآمد در فروش به شرکت‌های داخلی گروه به‌دست می‌آمد. این میزان در بخش کشاورزی به ۳۳ درصد می‌رسید. در بخش غذایی ۲۰ درصد و در بخش خردهفروش ۸ درصد بود. مورد دوم به محصولات مربوط می‌شود. عمده محصولات گروه مصرفی بودند و فقط درصد کمی از محصولات آنهایی بودند که خلق ارزش اضافه به همراه داشتند. محصولاتی مانند نوشیدنی، پنیر، گوشت خشک شده و روغن زیتون.

مشکل دیگر اگروکور توسعه بیش از حد بود. شرکت به دلایل توزیع‌کنندگان هزینه‌بر و غیرقابل اتکا در جهت ادغام رویه جلو قدم برداشت و در سمت دیگر، به‌دلیل نیاز به منیعی قابل اتکا (تامین‌کنندگان) و اهمیت قیمت و کیفیت ثابت مواد خام، در جهت ادغام رو به عقب گام برداشت. حدود ۱۲ درصد تولید شیر، ۱۰ درصد تولیدات گوشت گاو و کشت ۷۵ هزار هکتار زمین در اختیار گروه اگروکور بود ولی براساس شواهد تجربی گروه نتوانسته بود هماهنگی لازم میان شرکت‌های اگروکور و کشاورزان کروات را فراهم کند. دلیل دیگری که اگروکور در جهت ادغام رو به عقب گام برداشت ساختار نامطلوب کشاورزی (مزارع کوچک و قطعه قطعه، بهره‌وری کم، سطح پایین سرمایه‌گذاری و تکنولوژی) و وابستگی بخش غذایی به مواد خام بود. اگروکور با سرمایه‌گذاری‌های بیش از حد سعی کرد این مشکلات را حل کند. با اینکه تا حدودی موفق بود و توانست با شبکه خردهفروشی خود به آنها کمک کند ولی نتوانست به سطح بهره‌وری، نوآوری و رقابت در اتحادیه اروپا دست پیدا کند.

به‌صورت خلاصه، مشکلات گروه را می‌توان در دو مشکل بسیار خطرناک عنوان کرد: توسعه و وابستگی بیش از حد در مورد اول مشکل دلیل خود را نشان داد که گروه نتوانست در سرمایه‌گذاری‌های خود یکپارچه‌سازی انجام دهد در نتیجه تاثیر مثبت هم‌افزایی شکل نگرفت و اثرات منفی خودنمایی کردند. اهمیت هوشمندی کسب‌وکار در این نقطه پررنگ می‌شود در مورد دوم تا وقتی که مشتری از کسب‌وکار خرید دارد شرایط بسیار خوب است؛ ولی زمانی که مشتری به هر دلیلی خرید خود را متوقف کند چه اتفاقی در بخش فروش (جریان خون کسب‌وکار) رخ می‌دهد؟ نتیجه قابل پیش‌بینی است. آندره گرابیسیچ (**Andrej Grubisic**)، مشاور مالی می‌گوید: «بحران شرکت نوعی ترکیب از توسعه سریع، سرمایه‌گذاری بیش از حد، سودآوری پایین و واوهایی با هزینه بالا است که منجر به تمامین پول نقد کافی برای برآوردسازی تعهدات اعتباری شده است.» در سال ۲۰۱۷ مشکلات گروه به حدی رسید که بدهی آن بیش از ۶ میلیارد یورو بود. حسابهای بانکی توقیف شده بودند و گروه نمی‌توانست تعهدات مالی خود را برآورده سازد از طرفی عواقب احتمالی ورشکستگی می‌توانست فاجعه‌بار باشد. چراکه اگروکور به اندازه‌ای در اقتصاد کرواسی نقش داشت که نبود آن می‌توانست تمام خوانندان و کسب‌وکارهای کشور را تحت‌تاثیر قرار دهد.

اگروکور با کمک گروه مشاوره الیکس پارتنرز (**AlixPartners**) برنامه‌ای برای تغییر ساختار خود ایجاد کرد. بخش سخت این برنامه یکپارچه‌سازی تمام دعاوی در یک توافق تغییر ساختار و بازپرداخت کامل به تامین‌کنندگان، مزرعه‌های خانوادگی و کسب‌وکارهای کوچکی بود که در درآمد خود کاملا به اگروکور وابسته بودند. در این برنامه بخش‌هایی از اگروکور که سود ده نبودند یا امکان نداشت به سودده‌ی بازگردند، از گروه حذف می‌شدند. نمایندگان شرکت در جلسه دادگاه ساختار جدید را این‌گونه توصیف کردند: «ساختار جدید ریسک سیستماتیک را کاهش خواهد داد، شفافیت و مسئولیت‌پذیری کسب‌وکارها را افزایش می‌دهد، تلاش‌ها را بر کسب‌وکار هسته متمرکز می‌کند و انعطاف‌پذیری برای فروش را افزایش خواهد داد» در نهایت این برنامه در جلسه دادگاه ارائه شد و با ۹۲ درصد رای موافق پذیرفته و پیاده‌سازی شد. اکنون تمام بخش‌های اگروکور در ساختار جدید خود با نام گروه فورتنوا (**Fortenova**) فعالیت می‌کنند. با حجم بدهی تقریبا ۶ میلیارد یورو، تغییر ساختار اگروکور بزرگ‌ترین تغییر ساختار اروپا در سال ۲۰۱۷/۱۸ بود. سوال با ارزش این است که آیا اگروکور می‌توانست از این مشکلات اجتناب کند؟ پاسخ بدون شک بله است.

پوریا روانستان

عباس وحیدی:

روزانه حدود هزار و ۱۵۰ تماس با ۱۲۵ برقرار می شود

تا پایان تابستان ۳۰ هزار و ۸۹ مورد عملیات اطفای حریق و دو هزار ۶۲۴ مورد عملیات نجات توسط نیروهای آتش نشانی انجام شده است.

به گزارش پیام آشنا، عباس وحیدی در مراسم روز آتش نشان با اشاره به اینکه ماموریت ها و حوادث روزمره درپچه ای است تا هموطنان با بخشی از وظایف آتش نشانان آشنا شوند، گفت: آتش نشانان مظهر ایثار و فداکاری هستند و برای حفظ جان کسانی که گرفتار حوادث شده اند از جان خود می گذرند.

وی در ادامه با ارائه عملکرد سازمان آتش نشانی در شش ماهه اول امسال گفت: تا پایان تابستان ۳۰ هزار و ۸۹ مورد عملیات اطفای حریق، دو هزار و ۶۲۴ مورد نجات صورت گرفته است.

وحیدی اضافه کرد: طی این مدت ۴۶ هزار و ۵۹۹ نفر در پنج هزار و ۷۴۸ ساعت از طریق ۳۱ ایستگاه آتش نشانی ماموریت انجام داده اند.

این مسئول با اشاره به اینکه سامانه ۱۲۵ تنها مسیر ارتباطی شهروندان با سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج است، عنوان کرد: به طور میانگین روزانه هزار و ۱۵۰ تماس تلفنی با ۱۲۵ برقرار می شود که متاسفانه تعدادی از این تماس ها مزاحمت تلفنی است.

وی در خصوص برنامه آموزش شهروندی در ادارات، مجتمع های مسکونی، مدارس و ... گفت: متاسفانه به دلیل شیوع ویروس کرونا تعداد آموزش ها با سال های گذشته قابل مقایسه نیست اما با این حال سازمان آتش نشانی موفق به برگزاری ۱۵۷ دوره آموزشی طی نیمه اول سال جاری شده است.

این مسئول اضافه کرد: همچنین در خصوص ایمنی شهری نیز ۳۷۰ مورد بازدید از اماکن و ساختمان های شهری صورت گرفته است.

رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج گفت: آتش نشانان کرجی علاوه بر حضور در ماموریت های شهری در ماموریت های خارج از شهر نیز حضور پیدامی کنند.

بضاعتی‌پور:

۵۰ راس علف خوار در پارک حیات وحش کرج رها می شود

به گفته رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج، پارک حیات وحش تا پایان آبان ماه به بهره برداری می رسد. سیستم نورپردازی فضای پارک حیات وحش به طور کامل به اتمام رسیده و پس از تکمیل سَر در، درهای این مجموعه به روی مردم باز می شود.

به گزارش پیام آشنا، پیمان بضاعتی پور با اشاره به زمان افتتاح پارک حیات وحش کرج گفت: ساخت سر در این پارک در مراحل پایانی قرار دارد و طبق پیش بینی صورت گرفته این مجموعه تا پایان آبان ماه به بهره برداری می رسد.

وی ادامه داد: در فاز اول ۵۰ راس علفخوار توسط پیمانکار خریداری شده و به زودی به این پارک منتقل و رها سازی می شوند.

این مسئول با بیان اینکه علفخواران خریداری شده قبل از رها سازی یک هفته در قرنطینه نگهداری می شوند، اضافه کرد: این اقدام برای جلوگیری از شیوع بیماری های احتمالی در بین این حیوانات صورت می گیرد.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج گفت: سیستم نورپردازی فضای پارک حیات وحش به طور کامل به اتمام رسیده و پس از تکمیل سَر در، درهای این مجموعه به روی مردم باز می شود.

وی توضیح داد: اگر مردم استقبال خوبی از این پارک داشته باشند، در فازهای بعدی گونه های مختلف جانوری به این مجموعه اضافه خواهد شد.

کوچ بزرگ به شهرهای جدید

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، فشار کمبابقه تورم مسکن در ابرشهرها باعث ثبت رکورد جمعیت مهاجر در ۲۰ شهر جدید شد. روند افزایش جمعیت در حومه رسمی کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ نشان می‌دهد سال گذشته ۹۰ هزار نفر ساکن تازه به شهرهای جدید اضافه شد به‌طوری که کل جمعیت این مناطق از یک میلیون نفر گذشت. این کوچ معادل ۲/۲ برابر میانگین سالانه جمعیت مهاجر طی دو دهه اخیر است. بررسی‌ها درباره شتاب مهاجرت به شهرهای جدید نشان می‌دهد گسل قیمت مسکن و اجاره‌بها بین شهر مادر و شهر جدید، علت اصلی این انتقال جمعیت است. هزینه خرید و اجاره آپارتمان در شهرهای جدید به‌طور میانگین حدود ۷۰ درصد کمتر از سطح قیمت‌ها در شهر اصلی است. از آنجا که این فاصله طی دو سال اخیر تشدید شده، روند مهاجرت نیز تند شده است. هر چند بعضا برای توجیه برنامه خانه‌سازی‌های دولتی، فرضیه مهاجرت اختیاری مطرح می‌شود اما بعنظر می‌رسد این حرکت در قالب کوچ اجباری تاشی از رشد قیمت مسکن در حال انجام است. توسعه سرانه‌های شهری در این مناطق می‌تواند آن فرضیه را به تدریج محقق کند.

باعبور تعداد جمعیت ساکن در شهرهای جدید کشور از مرز یک میلیون نفر، رکورد نرخ رشد جمعیت در حاشیه رسمی ابرشهرها زده شد. بررسی‌های به عمل آمده با تکیه بر آمارهای مربوط به میزان رشد جمعیت در ۲۰ شهر جدید کشور از سال ۷۵ تا پایان ۹۸ نشان می‌دهد در حالی تعداد جمعیت ساکن در شهرهای جدید کشور از مرز یک میلیون نفر گذشته است که در سال‌های ابتدایی جمعیت‌پذیر شدن این شهرها در سال ۷۵ تنها ۵۸ هزار نفر در این شهرها ساکن بودند. اما نکته مهم‌تر در ارتباط با رشد جمعیت شهرهای جدید در سال‌های اخیر نشان می‌دهد در حال حاضر و براساس آخرین آمارها، جمعیت تازه در شهرهای جدید به دو برابر میزان تاریخی خود افزایش یافته است و این موضوع توعی رکوردشکنی از بابت تحولات جمعیتی و رشد جمعیت در این شهرها محسوب می‌شود.

با این حال به نظر می‌رسد این رشد جمعیتی و این رکوردشکنی بیش از آنکه تاشی از اختیار متقاضیان سکونت برای مهاجرت به این شهرها باشد در نتیجه جبر تاشی از افزایش شدید سطح قیمت خرید و اجاره بهای مسکن ایجاد شده است و در واقع دوپینگ جمعیتی شهرهای جدید تاشی از عدم توانایی مالی و اقتصادی خانوارهای ساکن در این شهرها برای خرید یا اجاره مسکن در کلان‌شهرها یا شهرهای بزرگی است که این شهرهای جدید در حومه آنها احداث شده‌اند.

بنابراین از آنجا که این رکوردشکنی تاریخی جمعیتی شهرهای جدید نه به دلیل اختیار و مطلوبیت سکونت در حومه رسمی ابرشهرها بلکه به دلیل ناتوانی مالی خانوارها از خرید یا تامین هزینه اجاره‌نشینی در شهرهای بزرگ ایجاد شده است، این رشد جمعیتی رامی‌توان نوعی دوپینگ جمعیتی تعبیر کرد.

آمارهای رسمی مربوط به تحولات جمعیتی شهرهای جدید کشور نشان می‌دهد جمعیت ۲۰ شهر جدید کشور در سال ۹۸ به لحاظ میانگین رشد تعداد جمعیت ساکن در این شهرها طی ۲۲ سال گذشته رکورد زده و دو برابر میزان تاریخی آن شده است.

روندهای مربوط به رشد جمعیت ساکن در شهرهای جدید حاکی است از سال ۷۵ تا پایان سال ۹۵، به‌طور متوسط در هر سال ۲۶ هزار نفر به جمعیت شهرهای جدید در قالب جمعیت جدید این شهرها اضافه شده است. این میزان به‌طور میانگین در بازه زمانی سال ۷۵ تا سال ۹۷ به‌طور متوسط برابر با افزایش ۴۰ هزار نفری ساکنان جدید به مناطق شهری حومه‌های رسمی در اطراف کلان‌شهرها و شهرهای مادر بوده است. اما در سال ۹۸ میزان افزایش جمعیت جدید در این شهرها به حدود ۹۰ هزار نفر رسید که معادل دو برابر میزان تاریخی رشد جمعیت جدید در ۲۲ شهر جدید کشور است.

در واقع در حالی که طی سال‌های ۷۵ تا ۹۷ سالانه به‌طور میانگین ۴۰ هزار نفر به جمعیت شهرهای جدید اضافه می‌شده است در سال ۹۸ این میزان به ۹۰ هزار نفر افزایش یافته است که نوعی رکوردشکنی قابل توجه در این زمینه محسوب می‌شود.

هر چند این میزان به لحاظ تعداد جمعیت اضافه شده طی یک‌سال به شهرهای جدید بی‌سابقه نیست و یکبار دیگر در سال ۹۲ هم جمعیت جدید شهرهای جدید معادل ۱۰۱ هزار نفر افزایش یافت. علت افزایش ۱۰۱ هزار نفری جمعیت شهرهای جدید در آن سال رسیدن واحدهای مسکن مهر به مرحله بهره‌برداری از آن تاریخ و همچنین تجربه جهش قیمت مسکن در آن سال بود. این دو عامل موجب شد در یک مقطع زمانی دیگر نیز علاوه بر مقطع زمانی حاضر شهرهای جدید به‌عنوان یک مکان ارزان‌تر برای سکونت مورد توجه خانوارهای با سطح درآمد پایین‌تر قرار بگیرد.

در سال ۹۸ نیز تحت تاثیر ادامه روند جهش قیمت مسکن و همچنین افزایش هزینه اجاره‌نشینی و کلان‌شهرها و شهرهای مادر، شهرهای جدید به خصوص شهرهای جدید اطراف تهران به یک مقصد مهم برای مهاجرت خانوارهای کم‌درآمد تبدیل شد. به این ترتیب هر چند به لحاظ رشد تعداد جمعیت جدید افزایش ۹۰ هزار نفری جمعیت این شهرها در سال ۹۸ بی‌سابقه نبوده است اما به لحاظ متوسط رشد جمعیت جدید در این شهرها این میزان دو برابر رکورد تاریخی میانگین افزایش جمعیت این شهرها محسوب می‌شود.

با این حال شرایط ایجاد شده به لحاظ میزان رشد جمعیت در شهرهای جدید این سوال را ایجاد می‌کند که آیا این رکوردشکنی در نتیجه جذاب‌سازی فضای سکونتی شهرهای جدید منجر به جذب جمعیت قابل ملاحظه به این شهرها شده است و افراد با اراده و اختیار خود این شهرها را به‌عنوان محل سکونت خود برگزیده‌اند یا بنا بر اجبار به این شهرها مهاجرت کرده‌اند؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد این مهاجرت‌ها عمدتا از نوع مهاجرت اجباری بوده است. طی دست کم دو سال گذشته جهش قیمت مسکن و همچنین رشد شدید هزینه اجاره‌نشینی در شهرهای بزرگ به خصوص کلان‌شهرها و از همه مهم‌تر شهر تهران باعث شد شهرهای جدید به‌عنوان مکان‌هایی ارزان‌تر برای خرید یا اجاره مسکن مورد توجه قرار بگیرد. در یک سال و نیم گذشته میانگین قیمت مسکن در شهر تهران حدود دو برابر شده است و اجاره بها نیز به میزان محسوسی رشد داشته است. با این حال هم قیمت فروش و هم سطح اجاره بهای مسکن در شهرهای جدید به‌طور متوسط حدود ۳۰ درصد کلان‌شهرهاست و در واقع قیمت مسکن و هزینه اجاره‌نشینی در این شهرها به‌طور متوسط ۷۰ درصد کمتر از شهرهای مادر و ابرشهرها است.

درواقع مهم‌ترین دلیل رکوردشکنی میزان مهاجرت خانوارها به شهرهای جدید ارزان‌تر بودن هزینه خرید یا اجاره مسکن در این شهرهاست. این در حالی است که هنوز کیفیت زندگی در این شهرها و میزان دسترسی و سرانه‌های شهری آنها یا کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ و ابرشهرها فاصله قابل توجهی دارد و در بسیاری از موارد قابل مقایسه نیست. از سوی دیگر با توجه به آنکه عمده افراد ساکن در شهرهای جدید ناچار به مسافرت روزانه به ابرشهرها برای حضور در محل کار خود هستند فاصله بین شهرهای جدید و شهر مادر یکی از عواملی است که از جذابیت سکونتی این شهرها می‌کاهد.

این در حالی است که در نبود یک سیستم حمل و نقل سریع، انبوه وارزان قیمت همچون خطوط مترو یا شبکه ریلی پرسرعت، حمل و نقل و جابه‌جایی بین شهرهای جدید و شهر مادر دشواری‌های خاص خود را دارد. هم اکنون تنها یک شهر جدید کشور در اطراف تهران از شبکه حمل و نقل مترو برخوردار است و سایر شهرهای جدید فاقد شبکه حمل ونقل ریلی پرسرعت-سریع وارزان (مترو) هستند.

در چنین شرایطی هم‌اکنون سرعت ساختمان‌سازی در شهرهای جدید نیز از سرعت ساخت وتامین زیربناهاوروبناها و سرانه‌های خدماتی در این شهرها بیشتر است. در همه سال‌های گذشته تاکنون بیشترین تمرکز در حوزه ساختمان‌سازی بوده‌است و تامین خدمات و سرانه‌ها به منظور افزایش مطلوبیت سکونتی در این شهرها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در طرح مسکن مهر، ابتدا ساخت واحدهای مسکونی در شهرهای جدید در اولویت قرار گرفت و بدون آنکه به موضوعات مربوط به تامین به موقع وکافی خدمات و سرانه‌های زیربنایی و روبنایی توجه چندانی صورت گیرد، واحدهای مسکونی احداث شد اما تعداد قابل توجهی از این پروژه‌ها حتی پس از زمان تکمیل نیز به دلیل عدم تامین خدمات زیربنایی و روبنایی از یکسو و همچنین عدم‌تامین سرانه‌های شهری مطلوب از سوی دیگر تا مدت زمان قابل توجهی بعد از تکمیل واحدها افتتاح و مورد بهره برداری قرار نگرفتند.

هم‌اکنون نیز این مشکل در شهرهای جدید به قوت خود باقی مانده است. هر چند ساخت شهرهای جدید و انجام عملیات عمرانی وساختمان‌سازی در این شهرها به منظور تحقق اهدافی همچون رفع تمرکز جمعیتی از شهرهای مادر و همچنین اسکان سرریز جمعیت کلان‌شهرها از اهمیت زیادی برخوردار است و نقش شکل‌گیری شهرهای جدید در جهت تحقق این اهداف، اقدامی درست است اما لازم است همزمان با ساختمان‌سازی در این شهرها یا حتی قبل از هرگونه اقدام برای ساخت و ساز در آنها متولی این شهرها نسبت به تامین خدمات زیربنایی و روبنایی وسرانه‌های خدمات شهری در آنها اقدام کند.

اما به رغم وجود تجربه مسکن مهر وتواقعی که در این زمینه به دلیل عدم فراهم آوری به موقع خدمات زیربنایی و روبنایی و همچنین سرانه‌های شهری طی سال‌های اخیر در شهرهای جدید مشاهده شد متولی مسکن هم اکنون نیز به جای آنکه از منابع وامکانات محدود خود اینبار برای تامین و تکمیل خدمات وسرانه‌های مطلوب زندگی شهری در این شهرها استفاده وسپس اقدام به ساختمان‌سازی کند، پروژه‌های ساختمانی جدیدی را برای اجرا در این شهرها در دست اجرا قرار داده است. در حالی که هرگونه تلاش برای ارتقای سطح خدمات در شهرهای جدید موجب افزایش کیفیت زندگی در شهرهای جدید و مهاجرت اختیاری ساکنان شهرهای بزرگ به این شهرها خواهد شد. به خصوص امکان حمل و نقل سریع، ارزان و آسان با اتکا به شبکه حمل و نقل ریلی و مترو می‌تواند در این زمینه بسیار موثر باشد.

تا زمانی که محیط زندگی در شهرهای جدید به واسطه ارتقای سطح خدمات وسرانه‌ها ارتقا نیافته و بهبودی در شرایط سکونتی در این شهرها ایجاد نشود ساختمان‌سازی‌های بی‌رویه نیز نمی‌تواند مشکلات سکونتی در این شهرها را برطرف کرده ومنجر به مهاجرت اختیاری به شهرهای جدید شود. در صورتی که کیفیت سکونت در شهرهای جدید ارتقا پیدا نکند ساکنان این شهرها به محض بهبود شرایط اقتصادی ومالی خانوار و کسب توانمندی مالی برای بازگشت به شهر مادر، شهر جدید را ترک خواهند کرد و در نتیجه شهرهای جدید هیچ‌گاه به یکی از اهداف اصلی خود که هویت بخشی و جذب جمعیت دائمی و بومی است، دست نخواهند یافت.

گردشگری

مجوز توریستی با خرج اسلحه

سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان این کشور را به نخستین دفتر منطقه‌ای سازمان جهانی گردشگری تبدیل کرده است. عربستان که تا پیش از این کشوری بسته در گردشگری محسوب می‌شد اینک با ارائه چشم‌انداز سند ۲۰۳۰ و به اجرا گذاشتن سیاست درهای باز و برنامه تعدیل ویزا برای گردشگران، قصد تبدیل شدن به پنج مقصد برتر گردشگری جهان تا سال ۲۰۳۰ را دارد که منجر به رشد و ایجاد انعطاف‌پذیری بخش گردشگری در سطح ملی و منطقه‌ای شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، شورای اجرایی سازمان جهانی گردشگری در صد و دوازدهمین نشست خود در تفلیس عربستان را به‌عنوان نخستین نماینده منطقه‌ای خود برگزید. دفتر منطقه‌ای سازمان به انجام وظایفی که توسط مجمع عمومی سازمان گردشگری تعیین شده خواهد پرداخت و براساس آن به خدمات‌رسانی به ۱۳ کشور می‌پردازد. انتخاب عربستان برای این امر را می‌توان برگرفته از سه دلیل عمده دانست. این امر تحت به سند بلندپروازانه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان بازمی‌گردد که در آن بر توسعه گردشگری و ایجاد ظرفیت در بخش‌های مختلف تاکید شده است و این برای سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با گردشگری در سطح جهان مهم و قابل توجه است. دلیل دیگر موقعیت و جایگاه عربستان در شرایط کنونی منطقه را مورد توجه قرار داده است که دو عامل سیاسی و درآمد دولت نقش مهمی در این انتخاب در مقایسه با دیگر دولت‌های عربی داشته است. همچنین قدرت لابی‌گری عربستان در نهادهای بین‌المللی مربوطه از دلایل این انتخاب است که در آن نمایندگان عربستان طرح‌های توسعه گردشگری را با تعریفی آرمانگرایانه مطرح و ارائه کرده‌اند. اگرچه گفته می‌شود عربستان در این راستا گام‌هایی برداشته و اقدامات گسترده‌ای در جهت رفع محدودیت‌ها انجام داده است اما همچنان نسبت به امارات شرایط مطلوبی ندارد و در مقایسه با مصر از ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری بسیار کمتری برخوردار است.

عربستان سعودی به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور خاورمیانه دارای ۱۲ سکونتگاه گردشگری و فرهنگی مجزا است که چشم‌انداز طبیعی آن از ساحل دریای سرخ تا کوه‌های عسیر را دربرمی‌گیرد. این کشور با هدف کاهش وابستگی به نفت، تنوع‌بخشیدن به اقتصاد و ترویج هویت ملی، با اجرای سیاست درهای باز، بازار گردشگری خود را از صرف گردشگری مذهبی و زیارتی در دو شهر مکه و مدینه برای مسلمانان و استثنائاتی در ورود تجار، کارگران مهاجر و مقامات سیاسی با ارائه برنامه ویزای جدید امکان ورود گردشگران از ۴۹ کشور را برای بازدید از چهار جاذبه گردشگری ثبت شده جهانی در یونسکو یعنی «جده» بزرگ‌ترین واحه در جهان، واحه «حصما» که دارای ۲/۵ میلیون نخل خرما است، سنگ‌نگاره‌های ۱۰ هزار ساله در منطقه «حائل» در شمال کشور و سایت باستان‌شناسی «الحجر» افزایش داده است. عربستان با وجود اینکه بزرگ‌ترین کویر پیوسته جهان را دارد و حدود ۸۰ درصد این کشور خالی از سکنه است در دیگر نقاط قابل سکونت خود در حال ساخت مقاصد جدید گردشگری است که می‌توان به ایجاد شهر تفریحی خارج از ریاض به‌نام نئوم و یک شهر آینده‌نگر جدید در شمال غربی این کشور که احتمالا بخش اول آن تا سال ۲۰۲۵ تکمیل می‌شود، اشاره کرد.

عربستان بر آن است در چشم‌انداز خود تا سال ۲۰۳۰ میزان ورود گردشگران مذهبی خود را از ۸ میلیون به ۸۰ میلیون نفر برساند که از این میان ۳۰ میلیون نفر آن را زائران خارجی تشکیل دهد و برآمد ۱۵۰ میلیارد دلاری از این محل دست یابد. در حال حاضر میزان ورود زائران مربوط به عربستان بیش از ۲/۵ میلیون نفر برای مراسم حج تمتع است. درآمد عربستان از ناحیه زائران دینی حج تمتع و عمره حدود ۱۲ میلیارد دلار است که ۸ درصد کل درآمدهای نفتی سعودی‌هاست که در چشم‌انداز سند ۲۰۳۰ عربستان برآن است در بخش گردشگری تبدیل به ۵ کشور اول بازار توریسم شود و سهم خود را در تولید ناخالص داخلی به ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد. برای تحقق این امر زیرساخت‌های جدید گردشگری عربستان به ۶۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد که نیمی از بودجه این طرح از طریق بخش دولتی و نیم دیگر از طریق سرمایه‌گذاران خارجی تامین می‌شود.

عربستان با اجرای سیاست درهای باز برای ورود گردشگران خارجی هدف خود را برای سال ۲۰۳۰ ایجاد یک میلیون اشتغال و جذب ۱۰۰ میلیون گردشگر داخلی و بین‌المللی در این کشور قرار داده است که بر این اساس سهم گردشگری از تولید ناخالص داخلی این کشور از ۳ درصد به ۱۰ درصد می‌رسد. در حال حاضر میزان گردشگران داخلی و خارجی عربستان سالانه ۴۰ میلیون نفر است. در این راستا اقدامات گسترده‌ای برای تحقق آن صورت گرفته است که می‌توان به سیستم جدید ویزای اینترنتی برای ۴۹ کشور با نرخ ۸۰ دلار، کاهش مقررات سختگیرانه برای پوشش زنان و تسهیل ورود زنان بدون همراه مرد، ساخت یک منطقه نیمه مستقل گردشگری و بدون نیاز به اخذ ویزا با ساخت ۵۰ جزیره در سواحل شمالی غربی دریای سرخ و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی بین‌المللی اشاره کرد.

باوجود اقدامات گسترده و رو به جلوی عربستان در صنعت گردشگری با توجه به چشم‌انداز بلندپروازانه سند ۲۰۳۰ انتقاداتی به عملکرد این کشور مبنی بر نداشتن توانایی لازم و کافی برای دستیابی به این اهداف آرمانگرایانه وجود دارد که از جمله می‌توان به تناقض برنامه‌های راهبردی سیاست خارجی و داخلی این کشور با سیاست‌های گردشگری آن اشاره کرد. موقع داخلی پیش‌روی دولت عربستان سرکوب فعالان حقوق زنان، مخالفت‌های بیش از ۲۰ درصد افراد این کشور که با عقاید رادیکال امکان هرگونه اصلاح را نمی‌پذیرند، نظام بسته و دیکتاتوری پادشاهان سعودی و نبود احزاب است که تبازمند دوره زمانی طولانی برای حل آن است.

همچنین در بعد سیاست خارجی، خشونت سازمان یافته در روابط خارجی همچون جنگ یمن، بحران سوریه و تنش‌های گسترده با ایران می‌تواند مانع مهمی برای تحقق تنوع‌بخشی اقتصادی و توسعه گردشگری باشد. مقدمه جذب گردشگر در عربستان، عبور منطقه خاورمیانه از یک منطقه امنیتی به منطقه همزیستی مسالمت‌آمیز است. در سال ۲۰۱۷ عربستان قرارداد ۱۱۰ میلیاردی با آمریکا برای خرید تسلیحات و همچنین قرارداد ۳۵۰ میلیارد دلاری ۱۰ ساله برای واردات انواع تسلیحات امضا کرده است. براساس آمار موسسه بین‌المللی صلح استکهلم از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ عربستان حدود ۱۰ درصد از مجموع واردات تسلیحات جهان را به خود اختصاص داده است. همچنین مشارکت عربستان در جنگ علیه یمن هزینه‌های بسیاری را بر این کشور تحمیل کرده و منجر به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی شده است.